

بررسی و تحلیل جایگاه و اهمیت اقتصادی سمرقند در عصر سامانی

امیرحسین حاتمی^۱

چکیده

شهر سمرقند، طی سده‌های متمادی، یکی از مهم‌ترین و مترقی‌ترین شهرهای ایرانی - اسلامی در سراسر سرزمین‌های شرق خلافت اسلامی بود. این شهر، به‌ویژه در دوره سامانی، به اوج ترقی و شکوفایی خود رسید؛ اما سمرقند همانند خود دوره سامانی، عمدتاً از جهت اهمیت سیاسی و فرهنگی مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. از این رو، با وجود اهمیت اقتصادی که سمرقند و دوره سامانی در تاریخ ایران اسلامی داشته، از نظر اهمیت سیاسی و فرهنگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در پژوهش پیش‌رو، تلاش بر آن است که بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه و اهمیت اقتصادی این شهر در دوره سامانی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بر این مبنای پرسش اصلی مقاله، آن است که اساساً چه زمینه‌ها و عواملی سبب رونق اقتصادی سمرقند در دوره سامانی گردید؟ و این رونق، چه عرصه‌هایی را دربرمی‌گرفت؟ بنا بر یافته‌های پژوهش، مجموعه عوامل طبیعی، جغرافیایی و سیاسی - اجتماعی، زمینه‌های لازم برای رونق اقتصادی در سمرقند دوره سامانی را فراهم نمود. این رونق نیز عمدتاً عرصه‌هایی نظیر: اقتصاد کشاورزی، تجارت و بازرگانی، تجارت برده و صنعت کاغذسازی را دربرمی -

^۱ عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره): hatami@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۶

گرفت.

واژگان کلیدی

سمرقند، دوره سامانی، اقتصاد کشاورزی، تجارت، جغرافیای تاریخی.

مقدمه

خراسان بزرگ و ماوراءالنهر در دوره سامانی، یکی از درخشان‌ترین و شکوفاترین اعصار خود را از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان اسلام تجربه نمود. در همین دوره، برخی از مهم‌ترین شهرهای این نواحی، نظیر: سمرقند، بخارا، مرو، بلخ و نیشابور اهمیت جهانی یافتند. در این میان، سمرقند، از بسیاری جهات موقعیتی ممتاز داشت. گرچه پس از آنکه امیر اسماعیل بن احمد سامانی (۲۷۹-۲۹۵ق)، پایتخت را از سمرقند به بخارا منتقل ساخت، از اهمیت سیاسی سمرقند کاسته شد، اما نخستین پایتخت سامانیان، از نظر اقتصادی همچنان جایگاه نخست خود را حفظ نمود. در واقع، سمرقند در اغلب منابع جغرافیایی اسلامی، «بندر تجاری» ماوراءالنهر لقب داده شده است (برای نمونه، ر.ک: اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۳۹). این عنوان، گویای موقعیت ممتاز اقتصادی - تجاری سمرقند است. با این حال، شکوفایی کم‌نظیر سیاسی - فرهنگی سامانیان و شهرهای واقع در قلمرو تحت حکومتشان، غالب پژوهشگران دوره سامانی را به مطالعه در تاریخ فرهنگی و سیاسی این دوره سوق داده است. از این رو، اهمیت اقتصادی خود دوره سامانی به‌طور کلی، و شهر سمرقند به‌طور خاص، توجه کمتری را به خود جلب نموده است. با وصف آنچه گفته شد، در این مقاله تلاش بر آن است تا با تأکید بر تاریخ اقتصادی، اهمیت و جایگاه اقتصادی سمرقند در دوره سامانی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

با توجه به آنچه گفته شد، مقاله حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات

کتابخانه‌ای مبتنی بر منابع اصلی تاریخی و جغرافیایی، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که اساساً چه زمینه‌ها و عواملی سبب رونق اقتصادی سمرقند در دوره سامانی گردید؟ و این رونق، چه عرصه‌هایی را دربرمی‌گرفت؟ فرضیه اصلی تحقیق نیز آن است که مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، جغرافیایی و سیاسی، زمینه‌های لازم برای رونق اقتصادی در سمرقند دوره سامانی را فراهم نمود. این رونق نیز عمدتاً حوزه‌هایی نظیر: اقتصاد کشاورزی، تجارت و بازرگانی، تجارت برده و صنعت کاغذسازی را شامل می‌شد. برای پاسخ به پرسش اصلی و بررسی فرضیه تحقیق، ابتدا زمینه‌هایی که به نظر می‌رسید در ارتقای جایگاه اقتصادی سمرقند در دوره مورد نظر نقش اساسی داشته، بررسی گردیده و نشان داده شده که این زمینه‌ها چگونه بستر لازم برای رونق اقتصادی سمرقند را فراهم نمودند. سپس، حوزه‌هایی مختلف اقتصادی و تجاری که سمرقند در آن موقعیتی ممتاز یافته بود، بررسی و تحلیل شده‌اند.

پیشینه پژوهش

همان‌گونه که گفته شد، پژوهش در تاریخ اقتصادی سمرقند عصر سامانی، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. پژوهش‌های اندک صورت‌گرفته در تاریخ اقتصادی دوره سامانی نیز عمدتاً معطوف به کل دوره سامانی بوده و به صورت گذرا و بسیار مختصر، به اهمیت اقتصادی سمرقند پرداخته‌اند؛ برای نمونه، عزیزالله بیات در مقاله «اوضاع اقتصادی ماوراءالنهر و خراسان در زمان حکومت سامانیان»، و لقمان بایمات‌اف در مقاله «کشاورزی و تولیدات معدنی در ماوراءالنهر و خراسان در قرون ۳-۴ق»، و ابوالحسن فیاض انوش و مریم آذرخش در مقاله «جغرافیای اقتصادی ماوراءالنهر از منظر مورخان و جغرافی دانان مسلمان»، از چشم‌اندازی کلی اوضاع اقتصادی ماوراءالنهر دوره سامانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، سیدمحمد نوع‌پسند و هیرو عیسوی در مقاله «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی»، به نوعی بررسی تطبیقی در این زمینه دست زده‌اند. ابراهیم رایگانی و محمدامین سعادت‌مهر نیز در مقاله «پژوهشی بر سکه‌های شاخص از نصر بن احمد سامانی با خوانشی نو از تاریخ سیاسی آن دوره»، بر مطالعات سکه‌شناسی اکتفا نموده‌اند. در این میان، صنعت کاغذسازی سمرقند، اندکی بیش از حوزه‌های دیگر اقتصادی مورد توجه

بوده است؛ برای نمونه، فرهاد نظری در مقاله «جواز و فن ساخت کاغذ سمرقندی»، به این بحث پرداخته که البته بیشتر جنبه هنری و تاریخی مورد نظر بوده؛ نه جنبه تجاری آن.

زمینه‌های طبیعی، جغرافیایی و سیاسی رونق اقتصادی سمرقند

اهمیت و جایگاه اقتصادی سمرقند، مانند هر شهر دیگر، به مجموعه عوامل طبیعی، جغرافیایی و به‌ویژه سیاسی - اجتماعی وابسته بود. مجموعه این عوامل، زمینه‌ساز رونق اقتصادی سمرقند گردیده بود:

الف. عوامل طبیعی

از نظر طبیعی، آب و هوا و خاک حاصل‌خیز سمرقند، مورد توجه منابع قرار گرفته است. ابن‌حوقل ضمن اینکه ماوراءالنهر را سرزمینی پُر آب، حاصل‌خیز، پُر نعمت و خوش‌آب‌وهوا توصیف می‌کند، درباره وضع طبیعی خاک سمرقند می‌نویسد: «خاک سمرقند، از سالم‌ترین خاک‌ها و خشک‌ترین آنهاست؛ اما کثرت بخاراتی که به سبب جریان آب‌های فراوان در کوچه‌ها و خانه‌ها و نیز کثرت درختان بید به وجود می‌آید، از زیان خشکی ممانعت می‌کند» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۱). ابن‌فقیه (ح ۲۵۵ ق - ح ۳۳۰ یا ۳۴۰ ق) نیز در همین زمینه می‌نویسد: هیچ شهری در جهان، پاکیزه‌تر و خوش‌آب‌وهواتر و خوش‌منظره‌تر از سمرقند نیست؛ چرا که «سمرقند از خرمی و سرسبزی، چونان آسمان است. کاخ‌های سربرافراشته‌اش، چونان ستارگان است. رود میانش، چونان کهکشان است و باروی گردش، چونان خورشید است» (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۷). به گزارش اصطخری، «در دیار ماوراءالنهر خاکی درست‌تر از خاک سمرقند نیست» (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۴۰). وضع مناسب طبیعی سمرقند برای رونق اقتصاد کشاورزی به گونه‌ای بود که «در هر خانه، البته بستانی باشد و در خصب چنان است که اگر کسی به بالای قهندز سغد بایستد، هیچ خانه از شهر پیدا نمی‌باشد از بسیاری درختان» (همان: ۳۳۹). بدیهی است برخوردار بودن از خاک حاصل‌خیز و جاری بودن رودهای فراوان، تا چه میزان می‌توانست در رونق اقتصاد کشاورزی مؤثر باشد.

ب. عوامل جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی سمرقند و قرار گرفتن آن در طول جاده ابریشم نیز باعث شده بود این

شهر به عنوان یکی از مراکز مهم تجاری جاده ابریشم مطرح شود. درست از این منظر است که می‌توان به نقش واسط سمرقند و نیز موقعیت ژئواکونومیک^۱ این شهر اشاره نمود؛ یعنی وضعیتی که در آن، موقعیت جغرافیایی و ژئوپولتیکی یک شهر یا منطقه زمینه‌ساز رشد و رونق اقتصاد آن شهر یا منطقه خواهد بود. در واقع، سمرقند را بیش از هر چیز، جایگاه راهبردی - جغرافیایی آن مهم می‌نمود؛ یعنی این شهر بر سر راه قافله‌های بازرگانی هند، خراسان، چین و سرزمین ترکان قرار داشت و کالاهای گوناگون نقاط مختلف جهان در بازارهای این شهر یافت می‌شد. از این رو، سمرقند را بندر بزرگ تجاری ماوراءالنهر می‌نامیدند (همان؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۲۱). همچنین، نزدیکی و مجاورت جغرافیایی ماوراءالنهر به قلمرو چینیان، از مهم‌ترین عوامل رونق یافتن تجارت و بازرگانی ماوراءالنهر، به‌ویژه سمرقند به شمار می‌آمد؛ زیرا بازرگانان سمرقند، بیشتر با چینیان دادوستد می‌کردند. بر همین اساس، صاحب *حدودالعالم* درباره اوضاع بازرگانی سمرقند می‌نویسد: «سمرقند، شهری بزرگ است و آبادان است با نعمت‌های بسیار و جای بازرگانان همه جهان است» (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۳۳۱). جیهانی، سمرقند را بندر تجاری ماوراءالنهر می‌خواند: «سمرقند، فرضه ماوراءالنهر است و مجمع بازرگانان و همه متاع‌ها بدانجا آرند و از آنجا به شهرها برند» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۶). همین گزارش را اصطخری نیز تأیید می‌کند که سمرقند «فرضه ماوراءالنهر است و تمامت شهرهای ماوراءالنهر انواع امتعه و اطعمه و اقمشه از آنجا نقل می‌کنند» (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۳۹).

ج. عوامل سیاسی - اجتماعی

در کنار موقعیت مناسب طبیعی و جغرافیایی، نقش امرای سامانی در فراهم آوردن بستر مناسب برای رونق اقتصادی ماوراءالنهر نیز چشمگیر بوده است. در حقیقت، آرامش و امنیتی که سامانیان فراهم کرده بودند، در تجارت و فعالیت‌های اقتصادی سمرقند نقش مؤثری ایفا می‌نمود. امرای سامانی برای اینکه منطقه ماوراءالنهر از هجوم بیگانگان در امان بماند و در نتیجه آن، اقتصاد و تجارت را رونق ببخشند، دست به یکسری تدابیری زدند که پیامد آن، رفاه حال بازرگانان و وجود کاروان‌های تجاری بی‌شمار در شهرهای ماوراءالنهر، به‌ویژه در سمرقند شد (باسورث، ۱۳۸۴: ۲۹). اشپولر نیز به ایجاد تدابیر شدید امنیتی از

^۱. Geoeconomic.

سوی سامانیان برای مقابله با مهاجمان و راهزنان اشاره می‌کند (اشپولر، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۶۴). امنیتی که بر سراسر ماوراءالنهر حاکم شده بود، مورد تأکید منابع معاصر سامانیان نیز قرار گرفته است (برای نمونه، ر.ک: مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۹). در واقع، سمرقند در سایه امنیتی که سامانیان تأمین کرده بودند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار شد؛ به‌گونه‌ای که به عنوان مرکز مهم تجاری و محل واردات و صادرات کالاهای فراوانی از اقصی نقاط جهان بود.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های توجه امرای سامانی به اهمیت و امنیت راه‌های تجاری، احداث کاروانسراها بود. در واقع، یکی از زمینه‌های توسعه تجارت و بازرگانی در عصر پیشامدرن، وجود کاروانسرا و رباط‌های بود. کاروانسراها در دوره سامانی، محل اقامت بازرگانان و دیگر افراد بود. در این کاروانسراها، ضمن اینکه هنگام غروب درب آنها بسته می‌شد، نگهبانانی هم در طول شب در حال مراقبت از آن بودند (سیرو، بی‌تا: ۲۱۱). این کاروانسراها علاوه بر اینکه محل استراحت قلمداد می‌شد، مکان مناسبی نیز برای عرضه کالاهای تجاری و بازرگانی بود. ابن‌حوقل درباره کارکرد کاروانسراهای دوره سامانی می‌نویسد: «بازرگانان در آنجا برای تجارت می‌نشینند و نیز خانبارهایی^۱ برای دادوستد وجود دارد. هر کاروانسرای دارای کالاهای به‌خصوص است و کمتر کاروانسرای است که به بازارهای بزرگ همانند خود شبیه نباشد. در این کاروانسراها، توانگران و صاحبان کالاهای بزرگ و اموال فراوان، سکونت دارند و برای دیگران که توانگر نیستند، کاروانسراها و خاناتی دیگر است و صاحبان حرفه و صنعت، در دکان‌ها و حجره‌های آباد و حانوت‌ها هستند؛ از قبیل کلاه‌سازان که در بازار مخصوص به خودشان هستند و تنها یک کاروانسرا نیست؛ بلکه حانوت‌ها و حجره‌هایی پُر از آنان است و همچنین است کفشگران و خرازان و ریسمانگران متعدد که در بازارهای مخصوص به خودشان در کاروانسراهایی به کار اشتغال دارند» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۸).

رباط‌ها نیز یکی از بهترین مکان‌هایی محسوب می‌شد که در کنار کاروانسراها در فراهم‌آوردن زمینه‌های رونق تجارت، مؤثر بود. جیهانی درباره کارکرد رباط‌ها می‌نویسد: این رباط‌ها دارای اتاق‌های بسیاری بودند که در آن، احتیاجات اولیه اعم از غذا و آب فراهم می‌-

^۱. خانبار یا کالنبار (کالا انبار)، معمولاً به محل انبار و بسته‌بندی اجناس و کالاها در بازارها اطلاق می‌شده است.

شد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸). سامانیان برای محافظت از مرزها در برابر ترکان و تأمین امنیت مسافران و بازرگانان، اقدام به ایجاد رباطهایی می نمودند که کارکردهای دوگانه‌ای داشتند. بیشتر رباطها در مسیر چاه‌های آب بنا می‌شد تا کاروانیان بتوانند از آن استفاده نمایند. اصطخری درباره تعداد و کارکرد این رباطهای سامانی می‌نویسد: تعداد آنها از ده هزار بیشتر بود و «درین ده هزار رباط، چون رونده فرود آید، مایحتاج او از طعام و علف چهارپای و پوشش شب بی‌هیچ تردد و مطل حاضر کنند و محاذی و مقابل هر رباطی سقاییه- ای بغایت رفیع ساخته که پیوسته مردم را از آن آب می‌دهند» (اصخری، ۱۳۹۷: ۳۱۱). ابن- حوقل ضمن تأیید وجود ده هزار رباط در منطقه ماوراءالنهر، در باب خدمات رفاهی رباط- های سمرقند که غالباً هم «خیراتی» بوده، توضیح می‌دهد که «در بسیاری از آنها، علوفه چارپای مسافر و طعام خود او آماده است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۶). جیهانی نیز در باب ساختن رباط در این منطقه می‌نویسد: «و هیچ شهری و منزلی و بیابانی نیست که آنجا منزل گذریان نباشد با رباط ساخته و تکلف بسیار» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۹).

برخی از مهم‌ترین رباطهای سمرقند، عبارت بودند از: رباط المربع (نسفی، ۱۳۷۸: ۱۲۲)، رباط نصر بن جابر (همان: ۱۵۰)، رباط بیت اَبی الأشعث (همان: ۲۸۸)، رباط کاسورغ (همان: ۳۰۵)، رباط دشت (همان: ۱۴۱)، رباط نوکمین (همان: ۲۶۳)، رباط محفوظ (همان: ۱۵۲) و رباط الرضاضة (همان: ۶۴). البته همه رباطهای سمرقند توسط دولت تأسیس نشده بود؛ بلکه همان‌گونه که ابن حوقل گزارش نموده، بسیاری از توانگران ماورالنهر «ثروت خود را در ساختن رباطها، راهها... و ساختن پل‌ها خرج می‌کنند و هیچ شهر یا راهی که آبشخور دارد یا دهی که جای سکونت است، خالی از رباطهای متعدد نیست؛ بلکه بیش از حدود احتیاج مسافران است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۶)؛ برای نمونه، نسفی گزارش می‌کند که فردی به نام «سلیمان سمرقندی» دارای موقوفات فروانی بود که خرج رباط مربع سمرقند نمود (نسفی، ۱۳۷۸: ۲۲۳). سمعانی نیز به رباطی به نام «مابان» در روستای غورجک از روستاهای سمرقند اشاره می‌کند که همین وضعیت را داشت (سمعانی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۳۱۸).

اما از نظر اجتماعی، باید به این نکته اشاره نمود که در کنار این رباطها، برخی خانه‌ها نیز شکل و کارکرد رباط داشتند که به همه مهمانان و از جمله بازرگانان و تجار، خدمات «خیراتی» ارائه می‌داد. ابن حوقل از خانه‌ای نام می‌برد که آنجا به اقامتگاه و مهمانسرا

معروف شده بود که در آن، از ورود هیچ مهمانی جلوگیری نمی‌شد؛ «بسا اوقات شبانه به ناگهان بی‌آمدگی قبلی، بیش از صد یا دویست تن با ستوران و خوراک و جز آن فراهم می‌شد؛ بی‌آنکه به چیزی از باروبنه خود نیازمند باشند یا صاحب‌خانه در رنج افتد؛ اگرچه روزها در آنجا اقامت کنند. برای هرکاری شخصی را گمارده‌اند و مایحتاج او را مرتباً بی‌درنگ تهیه می‌کنند... حال آنکه غالب توانگران بلاد اسلام، ثروت خود را در راه تأمین سرگرمی‌ها و عیش و عشرت خود... و نیز رقابت‌های تجملی و مذموم خرج می‌کنند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۶). ظاهراً این مهمان‌نوازی، خصلت مردم ماوراءالنهر و به‌ویژه سمرقند بوده است. خود مردم در هنگام ورود کاروان‌های تجاری، از آنان پذیرایی می‌نمودند و علف چارپایان آنها را به صورت رایگان تأمین می‌کردند. جیهانی در این باره می‌نویسد: «عادت و سیرت ارباب ماوراءالنهر آن است که چون بیگانه رسد، در مهمانی داشتن او با یکدیگر مسابقت کنند و مباحثات و مفاخرت نمایند... بسیار بوده باشد که نگاه صد کس یا زیادت رسیده باشند با چهارپایان و بدانجا فرود آمده. بی‌آنکه خداوند سرای تکلفی کند، اسباب و علوفه چهارپایان ایشان ساخته بوده است؛ به جهت آنکه همیشه رسم میهمانی بوده است و اسباب ضیافت ساخته داشته است» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۸).

گذشته از همه آنچه گفته شد، سیاست‌های مالی امرای سامانی نیز در تسهیل تجارت و بازرگانی مؤثر بوده است؛ برای نمونه، یکی از سیاست‌های امرای سامانی برای رونق تجارت و بازرگانی، کاهش مالیات تجاری بود. اگرچه منابع به وجود مالیات و عوارض گمرکی در قلمرو سامانی اشاره دارند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۹۹)، اما همین منابع نیز به ایجاد عدالت و رعایت انصاف در گرفتن مالیات از سوی کارگزاران سامانی و «سبک بودن» مالیات‌ها اشاره می‌کنند (همان؛ نرشخی، ۱۳۸۷: ۴۸). بر همین اساس، ابن حوقل که خود در زمان ابوصالح منصور بن نوح سامانی به ماوراءالنهر رفته بود، گزارش جالبی در باب نظام مالی و وصول مالیات توسط کارگزاران سامانی به دست می‌دهد که بر مبنای آن، جمع و جابجایی مالیات و خراج، بسیار کمتر و عادلانه‌تر از جاهای دیگر بود و باین حال، در سراسر مشرق اسلامی، حکومت آنان استوارتر و عده و ساز و برگشان کامل‌تر و منظم‌تر و عطایایشان بیشتر و جیره سربازانشان هم افزون‌تر و مستمرتر بوده است. به همین دلیل هم بود که مردم «از روی طیب نفس و شادی و مسرت خاطر و غبطه‌ای که به برقراری عدالت کامل داشتند»، مالیات می‌پرداختند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۸). گزارش ابن خردادبه نیز که چند دهه پیش از ابن-

حوقل کتابش را نگاشته، درباره خراج سغد و دیگر نواحی که در حوزه قلمرو نوح بن اسد سامانی بود، مؤید روایت ابن حوقل است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۴). همه زمینه‌های طبیعی، جغرافیایی، سیاسی و حتی اجتماعی که گفته شد، در مجموع، بستری فراهم نموده بود که سمرقند عصر سامانی، دوره‌ای از رونق اقتصادی - تجاری را تجربه نماید. این رونق، عمدتاً در حوزه کشاورزی و باغداری، تجارت و بازرگانی، صنعت کاغذ و تجارت برده نمایان بود.

عرصه‌ها و حوزه‌های مهم اقتصادی سمرقند

الف. کشاورزی و باغداری

به‌طور کلی، یکی از پایه‌های اقتصاد در همه ادوار تاریخ ایران، کشاورزی و باغداری بوده است. این مسئله، همواره مورد توجه حاکمان بوده و آنان دست‌کم برای دستیابی به درآمدهای مالیاتی بیشتر، رونق اقتصاد کشاورزی را همواره جزئی از وظایف ذاتی خود قلمداد می‌نمودند. کشاورزی در تاریخ ایران، از دیرباز به وجود آب بستگی داشت و وجود آب هم توزیع و تراکم جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌داد. می‌توان گفت که بهره‌برداری از منابع آب در فلات، گویا بیشتر از پیرامون آن و یا مناطقی با تمرکز قبایل خانه‌بدوش و نیمه-چادرنشین بود. به باور لمبتن، رشد شهرهای بزرگ و کوچک در سده‌های نخستین اسلامی، بسیار بالا بود و در اطراف شهرها هم در اکثر موارد، مناطق وسیعی از اراضی آبخور و محصولات مازاد کشاورزی آنها، وجود داشت. روستاهای اطراف مراکز شهری، به‌طور کلی، تولیدات کشاورزی و گاهی هم کالاهای ساخته‌شده، به‌خصوص منسوجات و مالیات‌ها را برای جمعیت شهری تدارک می‌دیدند. وقتی به فهرست محصولات کشاورزی در سده سوم و چهارم هجری در منابع جغرافیایی نگاه می‌کنیم، کشاورزی بسیار توسعه‌یافته را بر مبنای آبیاری مشاهده می‌کنیم. بیشتر این محصولات، اگر نگوئیم همه آنها، در این سده‌ها تولید می‌شد. تولیدات غلات، حجم وسیعی را تشکیل می‌داد. میوه‌ها به اندازه فراوان دیده می‌شد و در برخی از ایالات، مراتع سرسبز فراوانی مشاهده می‌شد (لمبتن، ۱۳۷۲: ۱۷۳). تصویری که لمبتن از اقتصادی کشاورزی در سده‌های سوم و چهارم ترسیم نموده، به میزان بسیاری منطبق با ماوراءالنهر است. در واقع، شرایط خاص اقلیمی ماوراءالنهر و وجود خاک

حاصل خیز، امرای سامانی را برآن داشت تا از همان ابتدا، نظام ارضی و کشاورزی را در کانون توجه داشته باشند. این توجه، بر کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی اثر می‌نهاد و نه تنها به رونق اقتصادی کشاورزی کمک می‌کرد، بلکه منبع درآمد پایداری برای دولت فراهم می‌نمود. امرای نخستین سامانی، در این امر بسیار کوشا بودند؛ برای نمونه، نرشخی در یک نمونه روایت می‌کند که «امیر اسماعیل به جوی مولیان سراب‌ها و بوستان‌ها ساخت و بر بیشتر موالیان وقف کرد.» او تصریح می‌کند که امرای بعد از او نیز به همین ترتیب عمل می‌نمودند (نرشخی، ۱۳۸۷: ۳۹).

اما آنچه بیش از همه موجب رونق کشاورزی سمرقند شده بود، وجود رودهای بزرگ، به‌ویژه سغد بود که از میان شهر می‌گذشت و به توسعه کشاورزی و باغداری می‌انجامید. همچنین، یکی از این رودها به نام «باسف»، نقش مهمی در سیراب کردن زمین‌های اطراف سمرقند داشته است. یعقوبی درباره رود باسف سمرقند گزارش می‌دهد: «آن را رودخانه عظیمی است که مانند فرات از بلاد ترک می‌آید و به آن «باسف» گفته می‌شود و در ولایت سمرقند جریان دارد و سپس، به سرزمین صغد و آنگاه تا اسروشنه می‌رسد» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۷۰). در همین رابطه، ایجاد نهرها به توزیع مناسب آب رودها کمک می‌کرد. همچنین، حفظ و مراقبت از نهرها برای مردم سمرقند بسیار حایز اهمیت بوده است؛ به‌گونه‌ای که برای مراقبت از آن، نگهبانانی گماشته بودند که غالباً زرتشتی بودند و حکومت آنان را از پرداخت جزیه معاف کرده بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۰). احداث نهرها که به گفته بارتولد نوعی آبیاری مصنوعی بود (بارتولد، ۱۳۶۶: ۲۱۸)، به توسعه کشاورزی و باغداری کمک می‌کرد. رود سغد از دروازه غربی وارد شهر می‌گردیده و به چهار شعبه تقسیم می‌شده و بعد هر شعبه به دو شاخه تقسیم می‌گشته و بدین ترتیب، مجموع اریق‌ها (نهرها - جوی‌ها)، هشت نهر بوده است. مساحت اراضی را که به وسیله این نهرها مشروب می‌گشتند، به «حبل» تعیین می‌نمودند. هر «حبل» برابر بود با ۶۰ ذراع. در سمرقند و حومه، ۱۴۶۰۰ حبل و ۶۷۰ بند وجود داشته است. از آن میان، اریق یا نهر جاکردیز که شهرستان را مشروب می‌ساخته، از مهم‌ترین نهرها بوده است (همان: ۲۱۸). البته ایجاد نظام آبیاری منظم برای زمین‌های حاصل خیز در منطقه ماوراءالنهر به دوره باستان برمی‌گردد؛ چنان‌که شبکه‌های آبیاری وسیع دولتی در آن رشد یافته بودند. یکی از دیوان‌های مربوط به شبکه آبیاری، اعم از سدسازی، نهرکشی، تعیین میزان آب‌بها، مالکیت آب و تقسیم و نگهداری

تأسیسات آن، «دیوان الماء» بود. محل این دیوان و نشستگاه رئیس آن در زمان سامانیان، شهر سمرقند بود؛ حتی مالیات باغات و ضیاع ناحیه ورغسر، خرج نگهداری سیستم آبیاری سمرقند می‌شد (یوسفی فر، ۱۳۹۶: ۱۰۱).

احداث نهرها و سد و بندها زمانی می‌توانست سودمند باشد که نظام عادلانه و کارآمدی از تقسیم آب به‌کار گرفته می‌شد. نرشخی از اهمیت عدالت در تقسیم آب در ماوراءالنهر عهد سامانی سخن می‌گوید و اشاره دارد که این عدالت سبب می‌شد تا «قوی بر ضعیف ستم نکند» (نرشخی، ۱۳۸۷: ۶). مقدسی ضمن اینکه تأکید می‌کند بهترین تقسیم‌بندی آب را در منطقه ماوراءالنهر دیده است، در باب مصرف صحیح آب برای آبیاری اراضی کشاورزی، از دیوانی به نام «دیوان آب» یاد می‌کند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۸۴). به‌طور کلی در این دوره، آب رودها را بر اساس «حق مشرب» تقسیم می‌کردند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۹). ابن حوقل توضیح می‌دهد در ماوراءالنهر «هر محله و کوچه‌ای، حصه‌ای معین از آب دارند و این سهم، به وسیله تخته‌هایی با سوراخ‌هایی به اندازه معین، نه کم نه زیاد، تعیین می‌شود.» او اشاره می‌کند که این روشی عادلانه برای تقسیم آب در این منطقه است (همان: ۱۷۱). در همین راستا، باید یادآور شد که استفاده از سدها و بندها نیز روی دیگر تکامل آبیاری مصنوعی در سمرقند عهد سامانی بود. در واقع، سدها محل مناسبی برای ذخیره آب کشاورزی به شمار می‌رفت. یکی از این سدها، سد ورغسر بود که در چهار فرسخی سمرقند واقع شده بود. به تصریح اصطخری، در سمرقند بندهای بسیاری احداث شده بود که امرای سامانی برای آنکه «جماعتی مرتب آن موضع متوطن باشند و به عوض خراج، آن بندها را عمارت کنند»، ساکنان اطراف این بندها را از دادن خراج معاف کرده بودند (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۴۳). بارتولد نیز تصریح می‌کند کارهای مربوط به تعمیر و ترمیم این سدها و بندها، به عهده آتش پرستان سمرقند بوده که به رسم بیگار انجام می‌دادند (بارتولد، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲۱۱).

در کنار آبیاری که از رود سغد و شاخه‌های آن انجام می‌شد، استفاده از آب‌های زیرزمینی، به‌ویژه قنات یا کاریز نیز برای آبیاری زمین‌های زراعی رواج داشت. گرچه سیستم آبیاری مصنوعی به این شکل در گذشته توسط عبدالله بن طاهر پایه‌ریزی شده بود، اما سامانیان توانستند این سیستم را در اکثر شهرهای قلمروشان گسترش دهند و زمینه رونق اقتصاد کشاورزی را فراهم نمایند. احداث قنات، علاوه بر آن، اهمیتی اساسی برای تأمین آب آشامیدنی شهر داشت. آب، اغلب در زیر زمین در جریان بود و آب هریک از منازل را

تأمین می‌کرد. در سمرقند، مجاری آب متشکل از لوله‌های سربی بود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۱۹۵). ابن حوقل عمق قنات‌های سامانی در خراسان و ماوراءالنهر را تا صد گام عنوان کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۸).

بنابراین، وجود رودها، نهرها و نظام آبیاری مصنوعی در سمرقند، سبب گردیده بود منطقه سغد به مرکزیت سمرقند به عنوان قطب کشاورزی و باغداری تلقی شود. مجموع این عوامل، به شکوفایی کشاورزی منجر شده بود که همین رونق کشاورزی، افزایش مالیات و عایدات دولت سامانی را از واحه‌های کشاورزی به دنبال داشت (باسورث، ۱۳۸۴: ۷۷). در همین زمینه، کتاب‌های متعددی نیز در زمینه کشاورزی و آبیاری، به خصوص در باب شیوه آبیاری، شخم زدن، رسیدگی به خاک و پرورش گیاهان تألیف شده بود. تالیفات ابوحاتم سجستانی، از جمله *الصیوف والریاح*، کتاب *الزرع*، کتاب *الشتاء والصفیف* و کتاب *الخصب والفتح*، در همین دوره تألیف شده بود (بهرامی، ۱۳۳۰: ۶۹).

این وضعیت مناسب برای کشاورزی و اقتصادی کشاورزی که عمدتاً مرهون رودهای پُرابی همچون سغد و نظام آبیاری منظمی بود که به وجود آمده بود، در منابع جغرافیایی اسلامی بازتاب یافته است. توصیفات اصطخری نشان می‌دهد منطقه سغد و سمرقند، از نظر جغرافیا و آب‌وهوایی تا چه میزان برای یک اقتصادی کشاورزی مناسب بوده است «و در آن موضع و اقلیم، هیچ موضعی نیست که کوهی خالی از درخت و سبزی نزدیک آن باشد و نیز هیچ زمین گردآلود در آن نیست؛ الا تمامت سبز و خوش و نزه‌اند. و زراعت ایشان در میانه سبزی گیاه می‌باشد... و در میانه میدان‌ها و مرغزارهای سبز، درختان فراوان و زراعت و حوض‌های خوش ساخته‌اند... تمامت دیه و بستان و درختان انبوه به یکدیگر درآمده؛ چنان‌که اگر دیدبانی بر وادی الصغد بایستد، به غیر از سبزی و خصب و نزهت، هیچ دیگر او را معارض نشود و...» (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۱۶ و ۳۴۳). همچنین، جیهانی اشاره می‌کند که سمرقند از نظر سرسبزی، یکی از نقاط تماشایی دنیا به حساب می‌آمده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۰). مقدسی ضمن اشاره به اینکه در سمرقند «راه برای زندگانی مرفه باز است»، روستاها و اطراف شهر سمرقند را پُرمايه توصیف می‌کند که ساکنانش با درختان فراوان در تابستان بهشت را تجربه می‌کنند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۲).

بر همین مبناست که منطقه سغد و سمرقند، تولیدکننده محصولات کشاورزی متعددی بودند. ابن حوقل اشاره می‌کند منطقه سغد به اندازه‌ای میوه تولید می‌کند که از مازاد آن،

حیوانات و ستوران تغذیه می‌کنند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵). مهم‌ترین محصولات کشاورزی نیز شامل: غلات، مرکبات و میوه‌جات می‌شد. در سمرقند نیز غلاتی همچون گندم و جو کشت می‌شد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۳؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۲-۲۲۵؛ اصطخری، ۱۳۹۷: ۲۴۰-۲۴۹؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۲). خواجه سمرقندی نیز مهم‌ترین میوه‌های سمرقند و توابع آن را شامل: خربزه، سیب، زردآلو، شفتالو و آلوی بخاری، انجیر و گیلایس می‌داند. سمرقندی همچنین، به گل‌ها و گیاهان دارویی، از جمله: زنجبیل، قلفوز سرخ، بادیان، گاوزبان، کاسنی، شاتره، خارخسک، اسفند، برنجاسف و عاقرقرحا اشاره می‌کند (خواجه سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۴۲). سمرقند از نظر میزان تولید گردو، مقام اول را داشته است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۲۲۸).

علاوه بر شهر و روستاهای سمرقند که به کشاورزی و باغداری مشغول بودند، در برخی از روستاها دامداری نیز وجود داشته است. ابن حوقل، بختی‌های سمرقند را قوی‌تر و تنومندتر از شتران بلخ می‌داند و معتقد است این بختی‌ها، نظیر ندارد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۸۴). مقدسی نیز روستاهای اطراف سمرقند را دارای چراگاه‌های وسیع با آب فراوان می‌داند و می‌نویسد: «دیه‌های بسیار با مردمی دامدار دارد. درازایش، نزدیک دو مرحله [است]. گویند سال‌هایی که غلاتش را درست به دست آوردند، سغد و بخارا را تا دو سال تأمین می‌کند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۳).

ب. تجارت و بازرگانی سمرقند

رونق اقتصاد کشاورزی به همراه موقعیت مناسب جغرافیایی، تجارت و بازرگانی سمرقند را نیز در دوره سامانی رونق بخشیده بود. در این میان، قرارگرفتن سمرقند در مسیر جاده ابریشم، نقش بسزایی داشت. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، سمرقند را بیش از هر چیز، جایگاه راهبردی و جغرافیایی آن مهم می‌نمود؛ یعنی این شهر بر سر راه قافله‌های بازرگانی هند، خراسان، چین و سرزمین ترکان قرار داشت و کالاهای گوناگون نقاط مختلف جهان در بازارهای این شهر یافت می‌شد. البته این وضعیت و رونق تجاری، از دیرباز وجود داشت و محصولات سمرقند تا چین، عراق و شام و روم می‌رفت (مسعودی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۳۷). تجار و بازرگانان که جزء طبقات مهم عصر سامانی به شمار می‌رفتند، با استفاده از آرامش و امنیت نسبی که در این دوره حکمفرما شده بود، موفق به گسترش دادوستد با دیگر

سرزمین‌ها، از جمله سرزمین‌های جنوب جیحون شدند. در دوره سامانی، بازرگانان سمرقندی، به‌ویژه رابطه تجاری مناسب و تنگاتنگی با چینی‌ها داشتند؛ تا جایی که یکی از دروازه‌های شرقی سمرقند، به دروازه چین نام‌گذاری شده بود (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۱۹). از چین کالاهایی همانند: ادویه، ظروف چینی، دارچین، قیچی، فولاد و مواد ابریشمی به سمرقند و بخارا وارد می‌شد و از آنجا به دیگر نقاط فرستاده می‌شد.

بازار سمرقند، مرکز عمده فعالیت‌های اقتصادی و محل دادوستد و بازرگانی بود و به رسته‌های مختلف تقسیم می‌شد و هر صنفی، بازار مخصوص به خود داشت. یکی از مهم‌ترین بازارهای سمرقند، بازارهای روز بود که در آن، انواع اجناس معامله می‌شد. بیرونی، به برخی از این بازارها و مناسبات مربوط به آن اشاره کرده است؛ برای نمونه، اشاره می‌کند روز سوم از ماه ششم سال، «عید کشمین است و در این روز، در قریه کمجکت بازاری به پا می‌شود و در روز پانزدهم آن، در طواویس بازاری به پا می‌گردد و بازرگانان از آفاق و اطراف در آنجا جمع می‌شوند و هفت روز این بازار به پاست» (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۶۳). بیرونی همچنین، اشاره می‌کند که در روستاهای سغد و سمرقند، سغدی‌ان به مناسبت‌های مختلف، بازارهای مختلفی به پا می‌کنند (همان: ۳۶۴). یکی دیگر از بازارهایی که بر سر شاهراه سمرقند و بخارا از رونق اقتصادی برخوردار بود، بازار طواویس بود. بازار طواویس، سالانه برپا بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۷). نرشخی درباره بازار طواویس و رونق و شکوه آن می‌نویسد: «هر سالی بدین بازار ده هزار کس بیش حاضر آمدی، از بازرگانان و اصحاب حوائج؛ چنان‌که از فرغانه و چاچ و جای‌های دیگر بیامدندی و با منفعت بسیار بازگشتندی و بدین سبب، اهل این دیه توانگر بوده‌اند و سبب توانگری ایشان، کشاورزی نبوده است» (نرشخی، ۱۳۸۷: ۱۸).

اما بزرگ‌ترین و پررونق‌ترین بازار سمرقند، «رأس الطاق» بود (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۳۹) و بیشتر بازارها و مراکز تجاری و باراندازهای دیگر، در حومه آن قرار داشتند (ابن-حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۲). رأس الطاق، محل اصلی تجمع افراد برای دادوستد بود. در کنار رأس الطاق، بازارهای کوچک و خیابان‌هایی قرار داشتند که سنگ‌فرش شده بودند و از نظر امکانات لازم نیز تأمین شده بود (همان). در واقع، وجود همین بازارهای بزرگ و کوچک در سمرقند بود که این شهر و نواحی اطراف آن را بندر تجاری ماوراءالنهر ساخته بود؛ بندری که بازرگانان و تجاری از آفاق و اطراف، در آن کالاها و

اجناس تجاری خود را بدانجا حمل می‌کردند و از آنجا به نواحی دور و نزدیک صادر می‌نمودند. بی‌تردید، این مرکزیت تجاری، از مهم‌ترین دلایل اهمیت اقتصادی سمرقند در دوره سامانی بود.

جدای از کالاها و محصولات بازرگانی که وارد سمرقند می‌شد و در آنجا فروخته یا به نواحی دیگر صادر می‌شد، خود سمرقند نیز با توجه به اینکه اقتصاد کشاورزی پویایی داشت، تولیدکننده محصولات صادراتی بسیاری بود. گردو، فندق و بادام، از صادرات روستاهای سمرقند بود و گونه‌های مختلف غله و میوه در این ناحیه تولید می‌شد. وجود تاکستان‌های پُرشمار نیز انگور را به محصول مهم صادراتی تبدیل کرده بود. البته صادرات سمرقند، محدود به محصولات کشاورزی نبود. از مهم‌ترین کالاهای صادراتی دیگر سمرقند، می‌توان به «جامه سیمگون و سمرقندی و دیگرهای بزرگ مسین و قمقمه‌های خوب و خیمه (چادر) و رکاب و لگام و تسمه» اشاره کرد که به ترکستان می‌بردند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۷۶). مقدسی، دیگر کالاهایی را که از مناطق اطراف سمرقند صادر می‌شد هم ذکر می‌کند: «از کرمینیه مندیل و از دبوسیه و وذار؛ جامه‌های وذاری که به رنگ مصمت است و برخی سلاطین بغداد را شنیدم که آن را دیبای خراسان می‌خواند و از رینجن جامه‌های زمستانی و لباده‌های سرخ و جانماز و کاسه‌های اسپید روی و پوست و مریر القنب و کبریت» (همان). مقدسی همچنین، به کالاهای مهم صادراتی سمرقند از جمله جامه‌هایی که «ممرجل» خوانده می‌شدند و نیز سینیزی و کژ (پبله) بسیار و پارچه آن و فندق نام می‌برد (همان: ۴۷۷). کرباس سمرقند نیز بسیار معروف و مورد استفاده شهرهای مهم بود (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۴۲). ابن فقیه از شهرت پارچه‌های سمرقندی گفت‌وگو می‌کند. این شهرت به همان اندازه‌ای بود که کاغذ سمرقندی مشهور بود. پارچه سمرقندی را نیز در کارگاه‌های خراسان می‌شناختند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷).

این تنها خود شهر سمرقند نبود که از لحاظ تجاری جایگاهی درخور داشت، بلکه نواحی اطراف و وابسته به آن نیز همین جایگاه را داشتند؛ برای نمونه، می‌توان به «کش» به عنوان یکی از توابع سمرقند اشاره نمود. بازارها در کش در حومه شهر واقع شده بودند. کش، دارای زمینی حاصل خیز بود؛ به‌گونه‌ای که «نوبرها را از آنجا به همه جا می‌برند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۹). صادرات نوبرها، از آن‌رو بوده است که میوه کش زودتر از دیگر نواحی ماوراءالنهر می‌رسیده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۸). جدای از این محصولات نوبرانه، «استرهای

خوش اندام و خرامان ماوراءالنهر، از همین جاست که به نواحی مختلف خراسان فرستاده می شدند (همان). مؤلف *حدودالعالم* نیز ناحیه کش را معدن داروهای گیاهی می داند که از آن، «استران نیک خیزد و ترنگبین و نمک سرخ که به همه جهان ببرند» (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۸). ابن حوقل نیز از روستاهای خزار و اسکیفغن در کش به عنوان معدن نمک یاد می کند که به خراسان فرستاده می شد. علاوه بر این، در کوه های آن عقاقیر و ترنجبین وجود داشت (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۸).

تجارت و بازرگانی این کالاها و محصولات صادراتی و وارداتی، عمدتاً بر پایه سکه هایی بود که با عیار و مقدار خاص در خود سمرقند ضرب می شد (در باب ضرب سکه در ماوراءالنهر در سده های ۴ و ۵، ر.ک: بارتولد، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۵۵-۴۴۶). در باب سکه های رایج سمرقند در دوره سامانی، ابن حوقل از «درهم اسماعیلی و مکسره عریض و دینار» سخن می گوید (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۷). اصخری نیز تصریح می کند که دارالیماره سامانیان در سمرقند، در محلی به نام «سفران» قرار دارد و پول های آنان به اسماعیلی معروف است و درهم هایی به نام محمدیه دارند و در تمام ماوراءالنهر، تنها در سمرقند و بنکت دارالضرب وجود دارد (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۳۸)؛ اما نکته بسیار مهم آنکه پراکندگی جغرافیایی این سکه های سمرقندی، نشان از گستردگی تبادلات تجاری اقصی نقاط جهان آن روز با سمرقند دارد؛ برای نمونه، قزوینی (۶۰۵-۸۲۶ق) در *آثارالبلاد* زمانی که از شهر «مغانجه» واقع در «زمین افرنج» در حدود قسطنطنیه صحبت می کند، توضیح می دهد که «در آن ولایت، دراهمی است که در سنه دویست و یک و دویست و دو و دویست و سه هجری در سمرقند نوشته و مضروب شده است و در آنجا رواج است. گویند که از دراهم نصر بن احمد سامانی است»^۱ (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۹۰). گزارش قزوینی، به خوبی نشان می دهد که مبادلات تجاری گسترده، سبب انتقال سکه های سمرقندی به دورترین نواحی غرب جهان اسلام شده است. ابن فضلان نیز که در دوره سامانیان از بخارا دیدن کرده است، به وجود سکه ای به نام سمرقندی اشاره می کند (ابن فضلان، ۱۳۵۵: ۶۳) که نشان از تجارت میان این دو شهر مهم ایالت سغد دارد.

^۱ مسلم است قزوینی یا مصحح اثرش، اشتباهی مسلم مرتکب شده اند. به احتمال زیاد، منظور سال ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۰۳ بوده است؛ چراکه در این سال هاست که نصر بن احمد سامانی حکومت می کرده است.

ج. صنعت کاغذسازی در سمرقند

از میان همه صنایع تجاری سمرقند، بی‌شک، صنعت کاغذسازی پُرآوازه‌ترین بوده است. کاغذ از محصولات گران‌بهای موجود در مسیر جاده ابریشم و پیامد هنر مردم این دیار بود که سال‌ها تا دورترین نواحی دنیا می‌رفت و همه را به تحسین برمی‌انگیخت. نویسنده *حدودالعالم* اشاره می‌کند که از سمرقند «کاغذ خیزد کی به همه جهان برند» (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۱۰۸)؛ اما در باب چگونگی تکوین این صنعت در سمرقند، روایت مشهوری است که برای نخستین بار ثعالبی بدان اشاره نموده است. ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹ق)، در اثر مهم خود به نام *ثمار القلوب* ذیل مدخل «کواغذ سمرقند» توضیح می‌دهد که کاغذ سمرقندی، انواع کاغذ مصری و پوست‌هایی را که پیشینیان بر روی آنها می‌نوشتند، از ارزش انداخته و از آنها بسیار نرم‌تر و بهتر و به‌صرفه‌تر است. او اشاره می‌کند که چنین کاغذی، تنها در سمرقند و چین ساخته می‌شود. ثعالبی در ادامه توضیح می‌دهد که در جریان نبرد طراز در سال ۱۳۴ (ثعالبی آن را نبرد اطلح می‌نامد)، زیدبن صالح اسیرانی از چینیان به اسارت گرفت و به سمرقند آورد که در صنعت کاغذسازی استاد بودند و بدین سان، این صنعت در سمرقند رواج یافت و حتی به تجارت اهل سمرقند تبدیل شد؛ «حتی صارت متجر لأهل سمرقند» (ثعالبی، ۱۴۲۴ق: ۴۳۶). ابوریحان بیرونی نیز زمانی که به صنعت کتابت و نوع نگارش هندوان می‌پردازد، اشاره می‌کند که خاستگاه صنعت کاغذسازی، چین است و یکی از بردگان چینی، این صنعت را به سمرقند آورد و «آنگاه به بلاد گونه‌گون از آن همی ساختند» (بیرونی، بی‌تا: ۱۳۲). ابن‌ندیم نیز همین روایت را تأیید و توضیح می‌دهد که این صنعت توسط کارگران چینی در خراسان رواج یافت (ابن‌ندیم، ۱۳۸۱: ۳۶). زکریای قزوینی نیز ضمن تأیید کیفیت کاغذ سمرقندی، روایت تحریف‌شده‌ای در این باب گزارش می‌کند: «و از سمرقند، اشیای غریبه به ولایات برند. از آن جمله، کاغذی است که او را سمرقندی گویند و در هیچ‌جا به آن خوبی نباشد؛ مگر در چین. گویند که طفلی از چین به سمرقند آمده، علم کاغذسازی را به ایشان یاد داده» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۱۷).

بارتولد، در باب کاغذ سمرقندی معتقد است که تا این اواخر، گمان می‌رفت که ساختن کاغذ از پارچه‌های کهنه از اختراعات سمرقندیان بوده؛ زیرا قبل از سال ۳۲۹ق/۹۴۰م کسی از کاغذ چینی ساخته‌شده از پارچه کهنه خبر نداشت؛ ولی اکنون بر اثر تحقیقات جدید در آسیای مرکزی، ثابت شده که کاغذ ساخته‌شده از پارچه کهنه بدون مخلوط، حتی در قرن

دوم میلادی در چین تولید می شده است و بنابراین، اختراع کاغذ، خاص سمرقندیان نیست. گذشته از این، منابع عربی نیز این مورد را همچون اختراع تازه ای نقل نمی کنند. در پایان قرن چهارم هجری (قرن دهم میلادی)، کاغذ سمرقندی در کشورهای اسلامی، پایروس و کاغذ پوستی را از بازار بیرون رانده بود (بارتولد، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۰۸).

به این ترتیب، این صنعت تجاری مهم که به ویژه برای تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی حایز اهمیت بود، برای نخستین بار از طریق مردم سمرقند، از چین اقتباس شد و تکامل یافت و از آنجا وارد جهان اسلام گردید. بنابراین، همان گونه که ثعالبی گزارش کرده، کاغذ در سمرقند تبدیل به کالایی تجاری شد (ثعالبی، ۱۴۲۴ق: ۴۳۶) و از آنجا به همه نقاط دیگر صادر می شد (ابن فقیه، ۱۳۷۹: ۲۵۱). این مسئله نیز به میزان فراوانی به پیشگامی سمرقندیان در این صنعت و کیفیت کاغذ ساخت سمرقند برمی گشت. سمعانی به این اشاره دارد که ساخت کاغذ، جز در سمرقند معمول نبوده است (سمعانی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۲). مقدسی نیز کاغذ سمرقند را کالایی می داند که نظیر آن وجود ندارد (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۷۷). این کیفیت و بی مانندی کاغذ سمرقندی، به نحوی بود که حتی در مغرب اسلامی، کیفیت انواع کاغذ را با کیفیت کاغذ سمرقندی می سنجیدند؛ برای نمونه، ناصر خسرو در توصیف دیدارش از طرابلس اشاره دارد که «آنجا کاغذ نیکو سازند؛ مثل کاغذ سمرقندی» (ناصر خسرو، ۱۳۹۵: ۲۱).

د. تجارت برده و غلام

سمرقند، از یک جهت دیگر نیز دست کم در سرزمین های شرق جهان اسلام موقعیتی ممتاز داشت؛ تجارت برده و غلام. غالب منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی، سمرقند دوره سامانی را مرکز تجارت برده دانسته است. اصطخری تصریح می کند: «و بندگان از اطراف به سمرقند جمع می آورند و از آنجا به آفاق و تمامت ماوراءالنهر نقل می افتد» (اصطخری، ۱۳۹۷: ۳۴۰). ابن حوقل نیز اشاره می کند که سمرقند «مرکز بردگان ماوراءالنهر» بود و بهترین بردگان این منطقه، پرورش یافته سمرقند است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۲۱). مقدسی نیز از «بردگان بسیار» در سمرقند سخن می گوید (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۰۱). یعقوبی در جایی گزارش می کند: «جعفر الخشکی مرا گفت که معتصم مرا در زمان خلافت مأمون به سمرقند نزد نوح بن اسد برای خرید ترکان فرستاد و من هر سال گروهی نزد وی می برم»

(یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۵). فرخی سیستانی نیز در یکی از ابیاتش از سمرقند به عنوان مرکز بردگان یاد می‌کند:

بخارا و سمرقندست روی و چشم آن کشور

غلامان ترا، زین هر دو، حقاگر برآید نان (فرخی سیستانی، ۱۳۷۱: ۲۵۸).

این مرکزیت تجارت برده در عصر سامانی، رونق اقتصادی قابل توجهی را برای امیران سامانی فراهم کرده بود. در این بین، بردگان ترک، طرفداران بی‌شماری داشته است؛ چراکه غلامان ترک از لحاظ جنگاوری مورد توجه خلفای عباسی بودند. همین جایگاه غلامان ترک در نزد امرای سامانی، باعث شد تا خواجه نظام الملک بعدها به آداب و تعلیم و تربیت آنها اشاره نماید و بر نقش این غلامان ترک در امور سیاسی تأکید دارد که اگر آنها از خود شایستگی نشان می‌دادند، می‌توانستند بر درجه نفوذ و اعتبار خود بیفزایند؛ مسئله‌ای که مورد توجه خواجه نظام الملک طوسی در سیاست‌نامه بوده است. او در باب نظام تعلیم این غلامان می‌نویسد: «هنوز در روزگار سامانیان، این ترتیب بر جای بود و به تدریج بر اندازه خدمت و شایستگی غلام را درجه می‌افزودندی؛ چنان‌که غلامی را بخریدندی، یک سال او را پیاده در رکاب خدمت فرمودندی، با قبایی زندنیجی و موزه و... هر سالی جامه و تجمل و خیل و مرتبت او می‌افزودندی تا خیل تاشی شدی. پس همچنین، حاجب شدی و چون شایستگی و هنرها و شجاعت او، همه کس را معلوم گشتی و کارهای بزرگ از دست او برآمدی...» (خواجه نظام الملک طوسی، ۱۳۷۸: ۱۴۱). خواجه تصریح می‌کند که الپتگین که بنده و پرورده سامانیان بود و در سی‌وپنج سالگی سپاه‌سالار خراسان شد، «روزی سی غلم ترک بخرید و سبکتگین که پدر سلطان محمود [غزنوی] بود، یکی از این سیگانه بود» (همان: ۱۴۲). این گزارش خواجه، نشان می‌دهد که غلامانی که در بازار سمرقند خرید و فروش می‌شدند، در صورت نشان دادن شایستگی‌های لازم، به بالاترین درجات سیاسی - نظامی هم نائل می‌شدند.

البته خرید و فروش بردگان بازارهای ماوراءالنهر، دارای آداب و شرایط مخصوصی بوده است. از این رو، افرادی که قصد خرید برده داشتند، باید با خصوصیات، مزایا و معایب این بردگان آشنا می‌بودند؛ چراکه «آدمی خریدن، علمی است دشوار، و بسیار برده نیکو بود که چون به علم در وی نگری، به خلاف آن باشد و بیشتر گمان برند که برده خریدن، از جمله دیگر بازرگانی‌هاست و ندانند که برده خریدن و علم آن، از جمله فیلسوفیست» (وشمگیر،

۱۳۵۲: ۱۱۱). جدای از این مسئله، ورود بردگان به حوزه ماوراءالنهر، مشمول مالیات می‌شد. مقدسی اشاره دارد که برای بردگان، قوانین سخت‌گیرانه‌ای اعمال می‌شده است؛ «هیچ غلام بی‌اجازه‌نامه ویژه از سلطان، حق گذشتن از آب را ندارد. [همچنین،] هفتاد تا صد درم نیز همراه جواز می‌ستانند. همین اندازه نیز از کنیزکان مالیات می‌گیرند» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۹۹).

خرید و فروش بردگان و غلامان در دوره سامانی در بازارهای سمرقند، هریک برای اهداف خاصی صورت می‌گرفت. برخی از آنان، در امور نظامی به‌کار گرفته می‌شدند. ابن حوقل در باب حضور غلامان ترک در سپاه سامانی می‌نویسد «لشکریان اسلام عموماً از افراد قبایل و نواحی و شهرهای مختلف تشکیل می‌گردد... به خلاف سپاه پادشاهان سامانی که لشکریان ایشان گروهی بندگان زرخرید ترک‌اند و گروهی از آزادگان و دهقانان‌اند که مکان و اهل و همسایگان‌شان معلوم و شناخته شده است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۰۰). در مقابل، گروهی از غلامان ترک نیز به منظور انجام امور خدماتی و تشریفاتی خریداری می‌شدند. آنچه خواجه نظام‌الملک طوسی «غلامان سرای» می‌نامد، غالباً از همین نوع غلامان است که برای مشاغلی چون: جامه‌داری، شراب‌داری، آب‌داری، سلاح‌داری و یا حاجبی تربیت می‌شدند (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸: ۱۴۱-۱۴۰).

نتیجه

با وصف آنچه گفته شد، اکنون می‌توان به پرسش اصلی تحقیق پاسخ دقیق‌تری داد. اینکه اساساً چه زمینه‌ها و عواملی سبب رونق اقتصادی سمرقند در دوره سامانی گردید؟ و این رونق، چه عرصه‌هایی را دربرمی‌گرفت؟ در واقع، سمرقند عصر سامانی از جهت طبیعی، واجد خصایصی بود که بستر مناسبی برای رونق اقتصاد کشاورزی فراهم می‌نمود. آب‌وهوای مناسب، خاک مُثمر و حاصل‌خیز و فراوانی آب، از مهم‌ترین این ویژگی‌ها بود. گذشته از این، موقعیت جغرافیای سمرقند، به‌ویژه گذر جاده ابریشم از آن، خواه‌ناخواه فرصت کم‌نظیری برای رونق تجاری آن فراهم نموده بود. البته این دو عامل طبیعی و جغرافیایی، زمانی می‌توانست نتیجه‌بخش باشد که در کنار سیاست‌های مالی و امنیتی سامانیان قرار می‌گرفت. امرای سامانی، نه تنها سیاست‌ها و مشوق‌های مالی قابل

ملاحظه‌ای برای رونق تجارت و بازرگانی اعمال می‌کردند، بلکه در برقراری امنیت، به مثابه مهم‌ترین عامل زمینه‌ای، در شکوفایی تجاری و بازرگانی نیز موفق بودند. مجموعه این زمینه‌ها، شرایطی را فراهم نمود که حتی آن هنگام که سمرقند مرکزیت سیاسی خود را از دست داد، مرکزیت اقتصادی خویش را حفظ کرد؛ به نحوی که نقش بندری تجاری را ایفا می‌نمود. درست از این منظر است که می‌توان گفت سمرقند در طول دوره سامانی، نه تنها در ماوراءالنهر و خراسان بزرگ، بلکه در سراسر سرزمین‌های شرق خلافت اسلامی، از منظر اقتصادی موقعیت ممتازی به دست آورد و به کانونی برای تبادلات تجاری و مالی تبدیل گشت.

منابع

- ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل*، ترجمه: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله (۱۳۷۱)، *المسالک والممالک*، ترجمه: حسین قره‌چانلو، تهران: نشر مترجم.
- ابن فضلان، احمد (۱۳۵۵)، *سفرنامه ابن فضلان*، ترجمه: ابوالفضل طباطبایی، تهران: شرق.
- ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد (۱۳۷۹)، *البلدان*، ترجمه: ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، *الفهرست*، ترجمه: محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه: جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۹۷)، *مسالک و ممالک*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات محمود افشار.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶)، *ترکستان‌نامه*، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات آگاه.
- بلانت، ویلفرد (۱۳۶۳)، *جاده زرین سمرقند*، ترجمه: رضا رضایی، بی‌جا: انتشارات

۱۵۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

جانزاده.

بهرامی، تقی (۱۳۳۰)، *تاریخ کشاورزی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۸۹)، *آثار الباقیه*، ترجمه: اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.

— (بی تا)، *تحقیق ماللهند*، ترجمه: منوچهر صندوقی سها، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ثعالبی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۴۲۴ق)، *ثمار القلوب فی المضاف والممنسوب*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المكتبة المعصریة.
جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸)، *اشکال العالم*، ترجمه: عبدالسلام کاتب، مشهد: آستان قدس رضوی.

حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۶۲)، به کوشش: منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.

خواجه سمرقندی، محمد بن عبدالجلیل (۱۳۶۷)، *قندیه و سمرقندیه*، به کوشش: ایرج فشار، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.

سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۴۱۹ق)، *الانساب*، به تصحیح: عبدالله عمر الباروی، بیروت: دارالفکر.

سیرو، ماکسیم (بی تا)، *کاروانسراهای ایران و ساختمان های کوچک میان راهها*، ترجمه: عیسی بهنام، تهران: نشر سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران.

فرخی سیستانی (۱۳۷۱)، *دیوان فرخی سیستانی*، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، بی-جا: کتابفروشی زوار.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، به تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

لمبتن، آن (۱۳۹۶)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر نی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۵۶)، *مروج الذهب ومعادن الجواهر*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*،

- ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، *آفرینش و تاریخ*، به کوشش: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۹۵)، *سفرنامه*، به کوشش: محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۸۷)، *تاریخ بخارا*، ترجمه: ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، به تصحیح: سید محمدتقی مدرس رضوی، تهران: توس.
- نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۸)، *القندفی ذکر علماء سمرقند*، تصحیح: یوسف الهادی، تهران: میراث مکتوب.
- نظام الملک طوسی (۱۳۷۸)، *سیر الملوک*، به اهتمام: هیوبرت دارک، تهران: علمی و فرهنگی.
- واعظ بلخی، عبدالله (۱۳۸۹)، *فضائل بلخ*، به کوشش: عبدالحی حبیبی، تهران: جنگل.
- وشمگیر، عنصرالمعالی کیکاووس (۱۳۵۲)، *قابوسنامه*، به اهتمام: غلامحسین یوسفی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۵۶)، *البلدان*، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- (۱۳۵۶)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.